



doi Analytical recognition and introduction of the manuscripts of Junan al-Majanin

Elaheh Karimi¹ Mahmoud Bashiri² Ali Ravaghi³

Revised: 26 -7- 2023 Accepted: 24 -9- 2023 Published: 20 -3- 2024 pp.291-321

Abstract

Junan al-Majanin is written by Qawamuddin Sanjani, a mystic of the 8th and 9th centuries of Hijri, which was written on the subject of mysticism and Sufism. This valuable work is written with a critical approach to Sufism and Sufi beliefs, in four chapters: Beliefs, Imports, Events and Poems. In view of the importance of Junanul Majanin, the present research is based on the descriptive-analytical method, in addition to introducing the work and its existing versions, it also examines its linguistic and literary features. On the other hand, the current research reveals the author's positions on various Sufism issues in the content analysis section. The results of the survey show that Sanjani, like most mystics, took help from famous verses, hadiths, poems and sayings to prove his views. Among the rhetorical features of this work, we can mention: the use of consecutive words, phonology, puns, similes, similes, adaptations (solutions and insertions), glosses and hints. The linguistic features of the text indicate that the prose of the book is older than the author's period. It should be mentioned that seven manuscripts of Junanul Majanin have been identified, which are kept in the libraries of Iran, Turkey, Egypt, Pakistan and England.

Keywords: Junonul-Majanint, Qawamuddin Sanjani, manuscript research,, mysticism, Sufism.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



1. PhD student of Persian language and literature, Department of Persian language and literature. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: Elaheh-Karimi81@yahoo.com
2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
3. Full professor of Department of Persian language and literature, Faculty of Persian Literature and Humanities. University of Tehran. Tehran. Iran



References

- Ansari, Khwaja Abdullah, Tabaqat al-Sufiya, edited by Mohammad Sarvar Molaei, Tehran: Toos, 2007.
- Bateni, Mohammad Reza, On Language and Linguistics, Tehran: Farhang Moaser, 1992.
- Boroumand, Mohammad Javad, The Language of Sufism, Tehran: Pajang, 1991.
- Dabbagh, Soroush, Language and Image of the World: Categories in Wittgenstein's Philosophy, Tehran: Ney, 2010.
- Dad, Sima, Dictionary of Literary Terms, Tehran: Morvarid, 2006.
- Esfahani, Moein al-Din Mohammad Zamji, Rawdat al-Jannat fi Awsaf al-Madina Herat, edited by Seyed Mohammad Kazem Emam. Tehran: University of Tehran, 1959.
- Fouladi, Alireza, The Language of Mysticism, Tehran: Faraght, 2010.
- Ghobadi, Hossein Ali and Mohammad Biranvandi, The Ritual of the Mirror: The Evolution of Symbolism in Iranian Culture and Persian Literature, Tehran: Tarbiat Modares University, 2007.
- Goharin, Sadegh, Explanation of Sufi Terms, Tehran: Zowar Publications, 1988.
- Hujwiri, Ali ibn Uthman, Kashf al-Mahjub, edited by Valentin Zhukovsky, Leningrad: Dar al-Ulum Press, 1926.
- Ibn Sina, Isharat wa Tanbihat, translated and explained by Malekshahi, Hasan. Tehran: Soroush, 2 volumes, 1989.
- Jami, Nur al-Din Abd al-Rahman, Nafahat al-Uns, edited by Mahmoud Abedi, Tehran: Sokhan, 2007.
- Kashani, Ezz al-Din Mahmoud, Misbah al-Hidayah, edited by Jalal al-Din Hoday, Tehran: Sanai Library, undated.
- Khandamir, Ghyath al-Din Hammam al-Din, Tarikh Habib al-Siyar, edited and introduced by Hoday, Jalal al-Din and Dabir Sayaghi, Mohammad, Tehran: Khayyam Bookstore, 2001.
- Mirsadeghi, Meymanat, Dictionary of the Art of Poetry, Tehran: Ketab Momtaz, 1997.
- Mosharraf, Maryam, Essays on Educational Literature of Iran, Tehran: Sokhan, 2010.
- Nafisi, Saeed, The Perfect Man, edited and introduced by Marijan Mouleh, Tehran: Tahouri, 1984.
- Pourabrisham, Ehsan and Mohseni Pasharaki, Mohsen, "Junoon al-Majnun and Khorasanian Mysticism in the Ninth Century," Alzahra University Journal of Mystical Literature; Volume 5, Issue 10 (Spring and Summer): 109-151, 2014.



مطالعات




مقالات علمی

اخبار و گزارشها

- Qushayri, Abd al-Karim ibn Hawazin, Al-Risalah al-Qushayriyah, translated by Abu Ali Hasan ibn Ahmad al-Uthmani, edited by Badi' al-Zaman Furuzanfar, Tehran: Elmi va Farhangi, 2009.
- Rajai Bokharai, Ahmad Ali, Dictionary of Hafez's Poems, Tehran: Elmi, 1985.
- Sajjadi, Seyed Jafar, Dictionary of Mystical Terms and Expressions, Tehran: Tahouri Library, 1996.
- Sanjani Khafi, Qavam al-Din, Junoon al-Majnun [manuscript], Istanbul: Hagia Sophia Library, No. 1750, without scribe name and date of writing, 1405 AH.
- ————. Creed [Manuscript], Turkey: Süleymaniye Library, No. 360, without the name of the scribe and date of copying.
- ————. Imports [Manuscript], Tehran: Library of the Parliament, No. 20761, copied by Abd al-Baqā ibn Mirak Mashhad Zarra, 1111 AH.
- ————. Junoon al-Majnun in Persian on Sufism [manuscript], Istanbul: Hagia Sophia Library, No. 1749, without scribe name and date of writing.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza, The Music of Poetry, Tehran: Sokhan, 1989.
- Shamisa, Siros, Meanings, Tehran: Mitra, 1994.
- Tabadakani Tusi, Shams al-Din Mohammad, Tasnim al-Muqarrabin. Edited by Tabatabai Behbahani, Mohammad, Tehran: Library and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, 2003.



شناخت تحلیلی و معرفی نسخ خطی کتاب جنون المجانین

الهه کریمی^۴  محمود بشیری^۵  علی رواقی^۶ 

از صفحه ۲۹۱ تا صفحه ۳۲۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

جنون‌المجانین اثر قوام‌الدین سنجانی، عارف سده هشتم و نهم هجری است که با موضوع عرفان و تصوف نگارش یافته است. این اثر ارزشمند با نگرشی منتقدانه به موضوع تصوف و عقاید صوفیان، در چهار باب: معتقدات، واردات، واقعات و اشعار تحریر شده است. پژوهش حاضر با عنایت به اهمیت جنون‌المجانین بر آن است تا باتکیه بر روش توصیفی - تحلیلی علاوه بر معرفی اثر و نسخه‌های موجود از آن، به بررسی ویژگی‌های زبانی و ادبی آن نیز بپردازد. از دیگر سو، پژوهش حاضر در بخش تحلیل محتوایی، مواضع مؤلف را درباره مسائل مختلف تصوف آشکار می‌کند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که سنجانی نیز، مانند اغلب عرفا، برای اثبات دیدگاه‌هایش از آیات، احادیث، اشعار و اقوال مشهور یاری گرفته است. از جمله ویژگی‌های بلاغی این اثر نیز می‌توان به: کاربرست مترادفات پی‌درپی، واج‌آرایی، جناس، سجع، تشبیه، تمثیل، اقتباس (حلّ و درج)، تلمیح و تلمیح اشاره کرد. ویژگی‌های زبانی متن بیان‌کننده آن است که نثر کتاب کهن‌تر از دوره مؤلف است. گفتنی است، تاکنون، از جنون‌المجانین هفت نسخه خطی شناسایی شده است که در کتابخانه‌های ایران، ترکیه، مصر، پاکستان و انگلیس نگهداری می‌شود.

کلیدواژه: جنون‌المجانین، قوام‌الدین سنجانی، نسخه‌پژوهی، عرفان و تصوف.

Cite this article: Karimi, elaheh; Bashiri, Mahmood; Ravaghi, Ali. (2024) Analytical recognition and introduction of the manuscripts of Junan al-Majanin. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣṭīḥ-i mutūn). vol-5, Issue-1, 291-321. <https://doi.org/10.22034/crtc.2023.180403>

۴. (نویسنده مسؤل) دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه

علامه طباطبائی، تهران، ایران. Email: Elaheh-Karimi81@yahoo.com

۵. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۶. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی. دانشگاه تهران. تهران، ایران.



مقدمه

جریان فکری و فرهنگی عرفان و تصوف از جمله جریان‌های متعددی است که پس از ورود اسلام به ایران نقش بسزایی در تولید شاهکارهای زبان و ادب فارسی با این مضمون داشته است. شناخت بخش مهمی از این آثار در گرو احیاء نسخ خطی است که میراث فکری و فرهنگی ما به شمار می‌رود. این کار ارزنده نه تنها روشی مفید برای شناساندن آرا و اندیشه‌های اندیشمندان و تحولات زبانی از گذشته تا به امروز است؛ بلکه شیوه معتبری برای پی‌بردن به اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی در ادوار مختلف تاریخی و جغرافیایی تلقی می‌گردد.

نسخه‌های خطی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند و نقش مهمی در غنای ادب فارسی و شناخت زوایای ناشناخته زبان و ادبیات دارند و همین امر بر اهمیت احیاء و نشر این آثار می‌افزاید. یکی از این آثار ارزشمند جنون‌المجانین تألیف قوام‌الدین سنجانی خوافی (۷۳۴-۸۲۰ ق) است. این اثر از کتاب‌های مهم عرفانی و از آثار ارزشمند ادبی اوایل قرن نهم هجری محسوب می‌شود.

جنون‌المجانین علی‌رغم ارزش و اهمیت انکارناپذیرش به دلیل عدم دسترسی به دست‌نویس‌های آن در کتابخانه‌های ایران و نیز به دلیل کم‌لطفی و بی‌توجهی به زبان فارسی و فارسی‌گویان در آناتولی، در شمار آثار است که ناشناخته مانده و به آن پرداخته نشده است. علاوه بر آن، وجود منابع زیاد عرفانی کنجاوی و اشتیاق پژوهندگان را فروزنشاند و چه بسا منابع معتبر دیگری، چون جنون‌المجانین، را از دید آنان دور نگاه داشته است. یکی از دلایل اهمیت این اثر این است که مؤلف در آن به مباحث گوناگون فکری و عرفانی زمان خود پرداخته و تلاش دارد هیچ‌گرایشی از گرایش‌های فکری محیط و زمان خود را از قلم نیندازد و همین امر معرفی و بررسی آن را ضروری می‌سازد.

بر اساس جست‌وجوهای به‌عمل آمده، تا به امروز، هفت نسخه از این اثر در سراسر جهان شناخته شده است که از این تعداد، یک نسخه در ایران، سه نسخه در ترکیه، یک نسخه در مصر، یک نسخه در پاکستان و یک نسخه هم در انگلستان نگهداری می‌شود.



پرسش‌های پژوهش

۱. جنون‌المجانین به‌عنوان یک اثر عرفانی چگونه و با چه ابزارهای زبانی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خود را بازنمایی می‌کند؟
۲. جنون‌المجانین به‌عنوان یک اثر عرفانی چه جایگاهی در بین آثار هم‌روال خود دارد؟
۳. با توجه به نسخه‌های به‌دست‌آمده از این اثر، ضرورت تصحیح و تحقیق جنون‌المجانین از حیث نسخه‌پژوهی چیست؟

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های چندانی در مورد این اثر انجام نشده است؛ اما شرح و تحلیل جنون‌المجانین در دستور کار پژوهشگران قرار گرفته و پژوهش‌های پراکنده‌ای نیز در این باب انجام شده است از جمله یک رساله دکتری و دو مقاله که به معرفی و هم تحلیل این اثر می‌پردازد:

۱. جابر اکبری (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین و تحلیل نقد تصوف در قرن هشتم و نهم در سنت فارسی باتکیه بر جنون‌المجانین» با نگاهی جامع، به نقد تصوف قرن هشتم و نهم پرداخته و تصویری واضح از تصوف این دو قرن بر اساس جنون‌المجانین ارائه کرده است. اکبری تلاش کرده تا بر اساس شواهد موجود با بیان لغزش‌ها و انحرافات تصوف به آسیب‌شناسی آن بپردازد.
۲. اکبری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی، تبیین و تحلیل تصوف در جنون‌المجانین» ضمن پرداختن به مطالبی که در جنون‌المجانین آمده، به این مقوله می‌پردازند که قوام‌الدین بین صوفیان واقعی و صوف‌نمایان تمایز قائل شده و کوشیده نقاط ضعف و قوت تصوف را آشکار کند.
۳. پور ابریشم و محمدی فشارکی (۱۳۹۳) در مقاله «جنون‌المجانین و عرفان خراسان در سده نهم» با اشاره به اینکه جنون‌المجانین از آثار خراسان قرن نهم و متأثر از عرفان این دوره است، به توصیف مطالب کتاب پرداخته‌اند. آنان اذعان می‌کنند که بخش اعظم باب نخست این کتاب درباره مذاهب اسلامیون است و هفتصد گروه را نام برده؛ نیز از رساله امام فخر رازی برداشت شده و اغلب تکرار همان مطالب است و به قرن نهم مربوط نمی‌شود. مؤلفان در ادامه بخش‌های مختلف کتاب و شیوه بیان مطالب را توضیح داده‌اند و به



نتیجه رسیده‌اند که سنجانی تصنیفات صوفیان روزگار خود را نقد نموده و اطلاعات سودمندی از دوره خود به دست داده است.

نکته بسیار مهمی که در خصوص این پژوهش‌ها باید به آن اشاره کرد این است که هیچ کدام از پژوهش‌های فوق، به تصحیح و تنقیح متن اثر نپرداخته‌اند و نقدی هم که به این آثار وارد می‌شود از همین موضع است. توضیح اینکه برای ارائه تحلیل و تفسیر از یک متن لازم است، پیش از هر چیز، صورتی مصحح، منقح و قابل اعتماد از آن متن در دست باشد و تحلیل‌های معنایی و زبانی بر اساس متن مصحح ارائه شود حال آنکه طبق جست‌وجوهای به‌عمل‌آمده، تا کنون متنی سالم، منقح و مصحح از جنون‌المجانین به دست نیامده و منتشر نشده است. در این پژوهش - که برگرفته از رساله دکتری نگارنده است - تحلیل‌ها و تفاسیر بر اساس متنی ارائه می‌شود که ابتدا نگارنده آن را به صورت انتقادی تصحیح کرده است.

معرفی مؤلف اثر

قوام‌الدین سنجانی (۷۳۴-۸۲۰ ه.ق) در اصل، اهل دانش و از ملاکان زمان خود بوده است و بر اثر حالتی که بر او عارض می‌شود به عرفان روی می‌آورد (جامی، ۱۳۳۶: ۴۹۵). درباره زندگی سنجانی اطلاعات زیادی در دست نیست. بنا بر آنچه در جنون‌المجانین آمده وی سال‌های بالندگی عمر خود را در نیمه دوم قرن هشتم هجری گذرانده است: «در اوایل ذی‌القعدة سنه ست و سبعین و سبع مایه (۷۷۶) که ایام شباب قوام بود...» (سنجانی: ۸۵ ب). وی خود را روستازاده‌ای معرفی کرده که زبان مادری اش فارسی بوده است: «بنابراین اصل دهقان‌زاده بل اسفاهی‌زاده خادم ضعیف باغچه اساس کرد و اصلی چند که مهم بود به قدر وسع که عوام اسلام را از دانستن آن چاره نیست» (همان: ۲ ب)؛ هرچند من روستایی‌ام و اعجمی، اما شما ترک‌تازی مکنید (همان: ۸۵ ب)؛ پارسی می‌گوییم، تو در نمی‌یابی و من زبان تو را در نمی‌یابم (همان: ۱۱۸ ب).

جامی در نفحات‌الانس وی را اهل قریه سنجان خواف دانسته و نوشته است: «وی دست خود را وقف مسلمانان کرده بود و برای همه کس کاغذ به رایگان می‌نوشت. همچنین وی دارای اشعاری است که بعضی غزلیات مولانا جلال‌الدین رومی را جواب گفته است» (۱۳۳۶: ۴۹۴). در حاشیه نسخه‌ای از مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین نام قوام‌الدین در زمره مجذوبان آمده و او را مجذوبی دانسته که با امیر ستلمش بیک ملاقات کرده است: «چون قوام‌الدین، ملک را کافرکیش خواند وی ناراحت شده و قصد آزار داشت که جمعی مانع شدند» (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲۹۵).



۱/ ۳۱۷). این نوشته‌ها نشان از مقام والای این عارف می‌دهد و اینکه وی در اختیار ملوک نبوده و در انتقاد از پادشاهان و امرا باکی نداشته است.

از پیشه‌وی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما به گواه بیتی می‌توان شغل او را دکان‌داری و فروشندگی دانست؛ اگرچه اطلاع کافی از صنف آن نداریم:

ترازودار سنجانم
بیا یک دم به دکانم
ببین میزان و کپانم که اشیا را بسنجانم
(سنجانی، ۸۰۸: ۲۰۰ الف)

اسفزاری در روضات الجنات، سنجانی را می‌ستاید و اذعان می‌دارد که او در سخن بسطی عظیم دارد به طوری که در باب خاشاکی می‌تواند دو شبانه‌روز سخن بگوید (۱۳۳۸: ۱ / ۲۰۸).

تاریخ ولادت وی بر اساس این سروده ۷۳۴ قمری است:

امیر تارک سالک قوام ملت و دین که در طریق طلب مثل شاه ادهم بود
به سال هفصد و سی و چهار میلادش به سلخ روزه و آغاز عید عالم بود
شب مفارقتش بر شهور هشتصد و بیست بر اقتضای قضا پنج شب مقدم بود
(جامی، ۱۳۳۶: ۴۹۶)

از این شعر برمی‌آید که وی در ۸۶ سالگی زندگانی را بدرود گفته است.

سنجانی از همان آغاز جوانی گرایش‌های عرفانی و مذهبی داشته و از خلال اثرش پیداست که اهل سنت بوده؛ اما تا حدود زیادی گرایش‌هایی به شیعه پیراسته از افکار شاذ و غلیظ التقاطی داشته است. وی در اصول پیرو اشعریان و در فروع پیرو شافعیان بوده است. مطالب جنون‌المجانین نشان از مطالعه گسترده او در باب دین و مذهب، علوم کلامی، عرفان و تصوف داشته و اشراف وی را بر علوم معنوی رایج در زمان خود نشان می‌دهد.

معرفی نسخه‌های جنون‌المجانین

چهار نسخه از این اثر در دست است که دو نسخه در کتابخانه ایا صوفیه (فخ ایا صوفیه: ۶۷)، یک نسخه در کتابخانه سلیمانیه ترکیه (فخ قره‌چلبی: ۲۴) و یک نسخه در کتابخانه مجلس (مجلس، ج ۵۶: ۱۶۷) نگهداری



می‌شود. علاوه بر موارد فوق، یک نسخه به شماره (۲۷-م) در دارالکتب المصریه (فهرس المخطوطات الفارسیه، ج ۲: ۲۳۳) و نسخه دیگر به شماره ۴۵۷۸/۱۵۲۸ در کتابخانه پنجاب (فخ پاکستان، ج: ۲: ۶۹۷) و نسخه‌ای به شماره MS 688 در کتابخانه جان رایلندز دانشگاه منچستر نگهداری می‌شود که دسترسی به اصل یا تصویر سه نسخه اخیر مقدور نشد.

۱. نسخه شماره ۳۶۰ محفوظ در کتابخانه سلیمانیه ترکیه دارای جلدی مقوایی با روکش تیماج به رنگ عنابی روشن است. حاشیه جلد مجدول و طرح زنجیر و داری چهار لچکی با زمینه منقوش به نقطه در اطراف جلد است و آثار پارگی در عطف و خوردگی در کل جلد به چشم می‌خورد. این نسخه - برخلاف دو نسخه دیگر ایاصوفیه - تاریخ کتابت دارد و فقط یک برگ در آغاز آن افتاده است و بقیه صفحات کامل‌اند. در ابتدای نسخه بعد از صفحه (۲ الف)، یک برگ کامل مفقود شده که در نسخه‌های دیگر موجود است. در شمارش صفحات نسخه این افتادگی لحاظ نشده است. در برخی برگ‌ها خط خوردگی دیده می‌شود. نام کاتب و تاریخ پایان کتابت در انجمله آمده است.

نسخه مجدول نیست و هر صفحه ۱۷ سطر دارد. نوشته‌های کتاب با مرکب مشکی و در مواردی شنگرف است. از شنگرف برای مشخص نمودن عبارات خاص استفاده شده است. گاه عبارات عربی با این رنگ نگاشته شده ولی به‌طورکلی شرط خاصی ندارد. حاشیه‌نویسی مختصری در برخی برگ‌ها دیده می‌شود. پایین صفحات کتاب در اثر رطوبت تغییر رنگ داده؛ ولی به نوشته‌ها آسیبی نرسیده است. کتاب با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله و توکلت علی الله و افوض امری الی الله حسبی الله و نعم الوکیل یا حیّ یا قیوم...» آغاز می‌شود. در گوشه سمت راست صفحه آغازین تصویر مهری با نقش «وقف المولی محمد بن حسام‌الدین الشهیر بقره چلبی زاده المنفصل عن قضاء عساکر روم ایلی علی اولاده ثم علی اولاد اولاده ثم وثم علی العلماء القادرین علی مطالعته ۱۰۳۸» دیده می‌شود. این نسخه در سال ۸۹۴ هجری قمری به دست احمد بن حاجی محمد خوافی کتابت شده است و می‌توان گفت نزدیک‌ترین نسخه به زمان مؤلف است. انجمله حاوی بیتی از مؤلف است.

چهار رکن جنون را اگر به دست آری
هزار لیلی و مجنون قوام را طلبند
(۲۸۰ الف)

یکی از مختصات دوره دوم رسم‌الخط قدیم که از قرن ششم آغاز می‌شود و تا قرن دهم ادامه دارد، یکدست نبودن شیوه کاتبان در نوشتن چهار حرف فارسی ب/پ، ج/چ، ز/ژ، ک/گ است که در این نسخه و سه نسخه دیگر



نیز مشاهده می‌شود. همچنین واژه‌ها بر اساس رسم‌الخط واحدی نگاشته نشده‌اند و ترتیب خاصی ندارد گاه پیوستگی و گاه گسستگی دیده می‌شود.

۲. نسخه شماره ۱۷۴۹ محفوظ در کتابخانه ایاصوفیه دارای جلد مقوایی با روکش تیماج به رنگ قهوه‌ای سوخته است و مزین به ترنج بیضی با خطوط اسلیمی و سرترنج‌های نیم‌دایره اسلیمی شرفه‌دار به رنگ طلایی است. دارای حاشیه مجدول و چهار لچکی به رنگ طلایی، در لبه جلد رنگ‌پریدگی دیده می‌شود. دیباچه کتاب دارای سرلوح در قسمت بالایی صفحه بوده که مذهب و در آن از رنگ لاجوردی و طلایی و شنگرف استفاده شده است. در قسمت میانی این سرلوح عنوان «کتاب جنون‌المجانین» به خط نسخ نوشته شده است.

این نسخه ۲۷۹ برگ دارد و در هر صفحه ۱۹ سطر درج شده است. متن صفحات این نسخه به خط نستعلیق زیبا کتابت شده است که برخی صفحات آن با نظم و ترتیب در جدولی شنگرف قرار دارد. نسخه سالم است و افتادگی در آن دیده نمی‌شود. علائم نگارشی با شنگرف درج شده است. به‌ندرت حاشیه‌نویسی دیده می‌شود. برخی جملات و عبارات عربی با شنگرف نوشته شده است و رکابه ندارد. نام کاتب در انتها ذکر نشده است. نسخه با این بیت به پایان می‌رسد.

دیوانه شود کسی که باشد بر من دیوانه مبین اگر تو دیوانه نه‌ای

(۲۷۶ الف)

۳. نسخه شماره ۱۷۵۰ کتابخانه محفوظ در کتابخانه ایاصوفیه که ۲۸۳ برگ دارد و در هر صفحه ۲۱ سطر درج شده است. صفحه آغازین این نسخه نیز مزین به سرلوح بوده که در آن رنگ‌های لاجوردی، طلایی و شنگرف به‌کاررفته است. در میان سرلوح به خط نسخ عنوان «کتاب جنون‌المجانین» نوشته شده است. در ادامه صفحه در پایین سرلوح تزئینات ختایی مختصر و ساده‌ای دیده می‌شود. خط آن نسخ و نستعلیق است؛ ولی چندان پخته نبوده و خطوط نیز منظم نیست. متن آن همچون نسخ پیشین با مرکب مشکی و شنگرف است. عناوین با شنگرف کتابت شده و فقط صفحات ابتدایی کتاب در جدول قرار دارد. حاشیه‌نویسی در برخی صفحات دیده می‌شود. عناوین درشت و با خط نسخ نوشته شده‌اند. در بخش اشعار، شعرهای مولوی با عناوین «شیخ مولانا می‌فرماید» و «شکرستان تبریز» مشخص شده‌اند و اشعار سنجانی با عباراتی چون: «للفقیر الحقییر المسکین»، «للفقیر قوام» و «گلستان خواف» از آن متمایز می‌شود. این نسخه نیز با بیتی به پایان می‌رسد؛ همچنین نام کاتب نیامده است.



دیوانه مبین اگر تو دیوانه نه‌ای

دیوانه بود کسی که باشد بر من

(۲۸۳ الف)

۴. نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۲۰۷۶۱ با نام «واردات» به شماره ثبت ۳۷۳۳۷۴، در سال ۱۱۱۱ هجری کتابت شده و نسخه‌ای است متأخر. این نسخه دارای جلدی مقوایی با روکش تیماج عنابی روشن با طرح ضربی (سوخت) و دارای ترنج و سرترنج منقوش به گل و گیاه و حاشیه آن دارای جدول کشی ساده است. این نسخه ۳۳۸ صفحه و هر صفحه ۲۱ سطر دارد. خط آن نستعلیق و نسخ است. در برخی صفحات حاشیه‌نویسی دیده می‌شود. در انتها نام کاتب «عبدالبقاءبن میرک مشهد زره» نوشته شده است. نسخه با بیت زیر به پایان می‌رسد.

چهار رکن جنون را اگر به دست آری هزار لیلی و مجنون قوام راطلبند

(۳۳۷)

اعتبارسنجی و تبارشناسی نسخ

با مقابله و تبارسنجی نسخ به‌دست‌آمده، بر مصحح محرز شد که نسخه سلیمانیه بر اساس قرائن نسخه شناختی و هم به دلیل قدمت زمانی می‌تواند نسخه اساس تصحیح و پژوهش حاضر باشد. از جمله دلایل نسخه‌شناختی می‌توان به ضب‌های صحیح، دقیق و قابل دفاع، انضباط و حساسیت کاتب در امر کتابت و نهایتاً صحت و سلامت فیزیکی نسخه - نسبت به دیگر نسخ موجود - اشاره کرد. در ادامه به برخی از ضب‌های ارجح نسخه اساس در قیاس با نسخه‌های ایاصوفیه و مجلس اشاره می‌کنیم:

در مقایسه نسخه‌بدل‌ها با نسخه اساس با حذف و اضافاتی مواجه می‌شویم که در اصل موضوع تفاوتی ایجاد نمی‌کند. در اولین صفحه، در عبارت «و الصلوة علی رسوله محمد المصطفی اما بعد فتح باب سعادت از مسبب بر جان اولوالالباب که دل‌های ایشان معزز و مشرف به کتاب و خطاب رب الارباب است.» در پنج موضع اختلافاتی بین نسخ دیده می‌شود که بیشتر مربوط به نسخه ۱۷۵۰ ایاصوفیه است. در نسخه ۱۷۵۰ ایاصوفیه کلمه «سعادت» و «اولی الالباب» به جای سعادت و اولوالالباب آمده و «کتاب‌الله» به جای کتاب و «اما بعد» حذف شده است. در هر سه نسخه بدل «اسباب» بعد از «مسبب» آمده است که نسخه اساس فاقد این واژه است. در نسخه مجلس «است» در پایان جمله حذف شده است.

همچنین در دو نسخه ۱۷۵۰ ایاصوفیه و مجلس بعد از جمله «مشایخ بیان‌کنندگان اقوال رسول‌اند» جمله



«علیه‌السلام» افزوده شده است که جمله‌ای معترضه و دعایی است. عبارت «قلوب رجال الله حزب الله و جنود الله اند و مذهب حق آن است...» در نسخه ۱۷۴۹ ایاصوفیه و نسخه مجلس با این تغییرات آمده است: «قلوب رجال الله جنود حزب الله و جنود الله اند و مذهب اهل حق آن است...» که کلمات جنود و اهل به آن اضافه شده است. در بررسی‌ها به نظر می‌آید بیشترین اختلاف نسخه اساس با نسخه ۱۷۵۰ ایاصوفیه باشد.

وجه تسمیه اثر

جنون المجانین نام رساله قوام‌الدین سنجانی است که در فحوای کتاب به کرات می‌آید و جایی نیز خود وی آن را «گنج معنی» می‌نامد.

قلم از دست رفت و سر بشکست	شد زبانه به کنج بست نشست
در حرم شد در از درون در بست	جان جو سرمست گشت نعره زبان
هر که دارد نهان زخلق بدست	گنج معنی قوام داد بباد

(سنجانی، ۸۰۸: ۶۴ ب)

برگزیدن نام «جنون المجانین» بر این اثر نیز بر مبنای استنباطی است که نگارنده از گوناگونی و اختلاف فکری گروه‌های اجتماعی برگزیده است:

و کلام حق را اساطیرالاولین گفتند و ایشان را ساحر خواندند و معجزه انبیا و کرامت اولیا را سحر و شعوده نام نهادند؛ اشارت مساکین را خود چه وزن نهند و جنون المجانین خود نام با خود دارد به کدام حساب درآید (همان، ۶ ب).

ویژگی‌های جنون المجانین

۱. ساختار متن

این متن در چهار باب: معتقدات، واردات، واقعات و اشعار در طی سالیانی چند به تحریر درآمده و آن گونه که سنجانی در میان یکی از واپسین واقعات اشاره کرده سال تدوین نهایی آن به تاریخ صفر ۸۰۸ هجری بوده است. باب معتقدات از آغاز نسخه تا برگ ۷۸ را در بردارد. سنجانی در این باب به معرفی فرقه‌های مختلف کلامی، نحله‌ها و باورهای آن‌ها پرداخته و به پیروی از هجویری ده طریقه صوفیانه را برشمرده و با استفاده از مطالب



هجویری به اختصار هر یک را توضیح داده است. او به استناد حدیثی نبوی، ۷۲ فرقه «ضالّه» را در دوازده طبقه آورده و آن‌ها را از نظر مفهومی به شش گروه تقسیم کرده است.

واردات از برگ (۷۸ الف) آغاز می‌شود و مضمون آن واردات غیبی مشتمل بر ۴۱ وارد است. «الباب الثانی فی الواردات الغیبیه لا سماعیه و لا قیاسیه بل معنویه روحانیه ملکیه» (سنجانی: ۷۸ الف). ابتدا مطالبی در عقل و علم بیان نموده و درجات علم را برمی‌شمارد؛ سپس به بحث می‌پردازد. در این بخش نیز از آیات و احادیث و اشعار بهره می‌برد. این بخش بیش از سایر باب‌ها مطلب داشته و تعداد صفحات آن بیشتر است. وی درباره عقل و علم می‌نویسد: «رفتن سالک فکرت به حضرت سالک دل و سؤال کردن از شرف عقل و فضل علم جواب از دل سالک بی شائبه ریا و بی میل و غلو خالی از خاشاک نفس و هوا و پاکی از غبار تعصب قصد و اظهار حق و نجات از باطل بعون الله و حسن توفیق» (همان: ۷۸ الف).

سؤالات و واقعات از برگ (۲۲۲ ب) شروع می‌شود. در بیان مطلب و سبک، مشابه شیوه بخش پیشین است. مطالب را زیر عنوان «الواقعه» بازگو می‌کند. از مشاهدات و تجربیات شخصی اش سخن می‌گوید. بخش اشعار از برگ (۲۵۸ الف) با عنوان باب خامس فی الاشعار آغاز می‌شود؛ در حالی که باب پیشین باب ثالث بوده است. به نظر می‌آید «سؤالات» و «واقعات» دو باب در نظر گرفته شده که شامل ثالث و رابع است. در این بخش سنجانی - که خود شاعر هم هست - اشعارش را در پایان جنون المجانین گردآورده است. وی نخست غزلی از مولانا را می‌آورد؛ سپس به پیروی و تأثیر از وی به جوابگویی می‌پردازد.

۲. مختصات سبکی متن

۲-۱- زبان عرفان

زبان عرفان غالباً دارای ویژگی‌هایی است که سایر نوشته‌ها از آن خالی‌اند. یکی از این ویژگی‌ها کاربرد اصطلاحات خاص صوفیانه است که فهم آن تنها برای اهل تصوف ممکن است و در کتاب‌های عرفانی به توصیف و توضیح آنها پرداخته شده است.

ابوالقاسم قشیری در رساله قشیریه، پیش از پرداختن به اصطلاحات صوفیه و شرح این اصطلاحات، نخست به ضرورت وجود اصطلاحات خاص میان اعضای هر گروه یا فرقه‌ای که آرا و اندیشه‌ها، آداب و احوال واحد دارند اشاره می‌کند (ر.ک قشیری، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۸). دلیل این رمزنگاری این است که «بسیاری از مفاهیم و جهان‌بینی‌های صوفیان با آن چه در باور مردم عامی و معمولی دیده می‌شود، متفاوت است»



(برومند، ۲۹۰: ۱۳۷۰).

در کتاب عارفانی چون خواجه عبدالله انصاری حالات و مقامات عرفان بیان شده است که از آنها با عناوین صد میدان یاد شده است. این مؤلفه‌ها در نظر هر یک از صوفیان متفاوت است؛ ولی در همه متون می‌توان این اصطلاحات را دید. سنجانی با استفاده از صور خیال این اصطلاحات را به کار برده است. برای مثال، طلب در منطق الطیر نام وادی سوم است. به نظر عطار وادی طلب قرین رنج و عناست و باید با جدوجهد حال‌ها دگرگون شود. (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۳۸۱) ارادت نیز مرحله چهل و سوم از مراحل سلوک است که در منازل السائرین خواجه عبدالله آمده است. (انصاری، ۱۳۸۶: ۲۴)

بیرم ارادت در قبضه طلب نهد و هر لحظه دم را به قدم مدد می‌رساند (سنجانی: ۱۶۲ الف)

هر کس به حب ارادت و حرفت و صمت خود آلتی به‌نوعی بسازند... (سنجانی: ۱۶۳ الف)

معرفت از ابواب نهاییات یعنی آخرین قسم از مراحل ده‌گانه است و خواجه در تعریف آن می‌گوید: معرفت احاطت است به عین چیز آن چنان که آن هست. (انصاری، ۱۳۸۶: ۵۵۲) محبت اولین باب از احوالات است و هفتاد و یکمین منزل: الحبه تعلق القلب بین الهمه والانس فی البذل والمنع علی الإقرار (تبادکانی، ۱۳۸۲: ۳۳۳)

هر تنوره را پیش آتشی و دمی و قدمی می‌بخشند تا بدم معرفت و قدم محبت و آتش عشق جدید از صلب شدید می‌ریایند. (سنجانی، ۸۰۸: ۱۶۲ ب)

۲-۲- اطناب و ایجاز

بسیاری از جملات با حروف عطف و ربط به هم متصل و طولانی شده‌اند و جمله قطع نمی‌شود: لطف الهام کرد که ای قوام آب و خاک و علم و عقل و آدم و حوا و دیو و ملک هر یک همچو تو عاجزان سرگردان‌اند به نوری که تو را داده‌ایم هر دو را جمع کن تا تخمی که در سینه ترا ب نهاده‌ایم و خاصیتی که در صلب آب تعبیه کرده‌ایم بی‌قال و قیل به گوش هوش تو رسانیم و بنماییم که از نطفه قایل و هابیل آریم و ترک و حبشی زایانیم و از آب و خاک رنگ‌ها و بوی‌ها و طعم‌ها ظاهر گردانیم و سبز و سرخ و سیاه و سفید و ترش و شیرین و شور و تلخ و مشک تترار و پشک مردار همه از میان این آب و خاک ظاهر گردانیم تا قدرت حق و عجز خود بدانید. (سنجانی: ۱۰۷ ب)

از سوی دیگر، مؤلف بنا بر نیاز خود برای انتقال بهتر مفاهیم، افکار و اندیشه‌ها و تأکید بر آن‌ها از واژه‌های مترادف و متضاد بسیاری بهره می‌برد؛ این ویژگی در جنون المجانین بسامد بالایی دارد که خود یکی از دلایل اطناب در کلام به حساب می‌آید:

ضال و مضل، حرص و رغبت، کسالت و نفرت (سنجانی، ۸۰۸: ۱۱۶ ب) عقل و علم (همان: ۱۱۷ ب) شرک و



تشبیه و زندقه و بدعت و معصیت و ضلالت (همان: ۱۷۵ ب) میدان معرفت صفات و محبت... ضعف دیانت و شفقت و مروّت (همان: ۱۷۵ ب) طبایع و عناصر، حادثه و واقعه، مخالفت و موافقت (همان: ۱۷۰ ب) اما نثر کتاب یکدست نیست و در مواردی هم جملات بسیار کوتاه پشت سرهم آمده است. این نوع جملات گاهی به صورت پرسش و پاسخ یا گفت و گوست:

گفتم از لباس تجریدی می‌کنم گفت چه کسی؟ گفتم آدمی گفت دین تو چیست؟ گفتم اسلام (همان: ۱۹۵ ب). قومی از ضلالت مست شراب جام‌اند و گروهی از حرص دنیا بجهت دانه در دام‌اند و بعضی از شهوت بسته کنیزک و غلام‌اند (همان: ۲۰۵ ب).

۲-۳ کلمات عربی

دامنه واژگان و عبارات عربی در کتب متصوفه در سنجش با دیگر متون بالاست؛ اما برخی کلمات به کاررفته در این متن از واژگان معمول آن روزگار و همانند کلماتی است که در سایر کتاب‌ها دیده می‌شود. در این کتاب نسبت کلمات عربی به فارسی بیشتر است و در مواردی نیز مرسوم نبوده و از اصطلاحات عرفان و تصوف به شمار می‌روند که خود از ویژگی‌های این نوع کتاب‌هاست. کلیه ابواب به زبان عربی است: الوارد التاسع و الثلثون (همان: ۲۱۴ ب) الوارد الاربعین در محرم سنه تسعین و سبعمائه (همان: ۲۱۷ ب) همچنین است کلماتی چون: تراب، قیل و قال، (همان: ۱۰۷ ب) امتثال و اجتناب، خوف، خاتمت (همان: ۱۷۷ ب) عزت، عظمت، برقع، نطق، ذوی العقول، علم الیقین، اصحاب فهوم (همان: ۱۷۸ ب) الربانیون، (همان: ۱۶۹ ب) انتباه (همان: ۲۰۵ ب) حزب الشیطان، القصه، طریق عدل، صراط مستقیم (همان: ۱۱۶ ب)

۲-۴- هنجارگریزی نحوی

هنجارگریزی نحوی از جمله شیوه‌هایی است که علاوه بر برجسته‌سازی متن ادبی زیبایی آن را دوچندان می‌کند. این نوع هنجارگریزی شامل جابه‌جایی اجزای جمله و حذف فعل است که در متون گذشته بسیار به چشم می‌خورد.

هرگاه هر یک از عناصر جمله که از جای عادی خود به جایگاه اول منتقل گردد از تأکید بیشتری برخوردار می‌گردد. به این پدیده در زبان‌شناسی برجسته‌سازی می‌گویند. طبق این قاعده هر وقت فعل به اول جمله کشانده شود خبر جمله از تأکید بیشتری برخوردار می‌شود و چون خبر جمله بنا بر تعریف همواره حاوی اطلاعات



بیشتری است در این حالت همه جمله مورد تأکید قرار می‌گیرد (باطنی، ۱۳۷۱: ۴۱).

از خود دور مدار چیزی را که از تو به تو نزدیک‌تر است. (سنجانی، ۸۰۸: ۱۸۷ ب) انصاف بده تا حال کدام خراب‌تر (همان: ۱۸۷ ب)

با یکی از برادران در مسجدی به اعتکاف ساجد و مسجود و عابد و معبود بودیم؛ بلکه از غم چاشت فوت شده به طلب شام آینده مشغول. (همان: ۱۹۴ ب) نظر کن به حال من، مرا نه نطق نه عقل نه علم نه دل و نه انسانیت نه مردمی نه محبت نه امید بهشت نه بیم دوزخ نه خطر کفر و شرک و نفاق... (همان: ۲۰۲ ب)

۳. سبک ادبی

تألیفات صوفیه بیشتر با زبانی ادبی، سرشار از صور خیال و رمز و نماد نوشته شده است. علاوه بر جنبه تعلیمی، این آثار نمونه‌هایی از متون زیبا به شمار می‌روند که می‌توان آن‌ها را بر اساس زیبایی شناسی نیز تحلیل کرد.

کتاب جنون‌المجانین نیز از همین نوع است و متنی ادبی به شمار می‌رود و ویژگی‌های مختلفی دارد که به اجمال معرفی می‌شود. ارزش ادبی جنون‌المجانین، در احاطه نویسنده بر ادب فارسی و به‌ویژه پاره‌ها و گزیده‌های دلپسند و سودمندی است که برخی از آن‌ها را در دیگر منابع معتبر عرفانی آن روز توان یافت (پور ابریشم، فشارکی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

۳-۱- صور خیال

در پرتو خیال می‌توان ماهیت زبان را دگرگون کرد و به آن لطفی دیگر بخشید. اهل بلاغت تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و تمثیل را خالق خیال می‌دانند. به کارگیری به هنگام و در موضع مناسب صور خیال رمز جذابیت و حلاوت آثار ادبی و وسیله‌ای مهم برای بیان اندیشه است.

۳-۱-۱- تشبیه

تشبیه و استعاره از آرایه‌هایی است که در متون ادبی کاربردهای بسیار دارد. به دلیل انتزاعی بودن سخن صوفیه و مشکل بودن درک آن‌ها، گویندگان به توصیف از طریق تشبیه و تمثیل می‌پردازند.

به‌عنوان نمونه، سنجانی در بیان آداب حج و زکات، برای فقرا دل را به کعبه و اخلاق ذمیمه را به اهل بیت تشبیه می‌کند: «حج ایشان آن بود که به نیت کعبه دل، پای هستی از خانه بدن بیرون نهند و اهل بیت اخلاق ذمیمه را وداع کنند؛ یعنی لذات و شهوات جسمانی را باز گذارند و روی در وادی غیب آرند و خلع نعلین کنند»



(سنجانی، ۸۰۸: ۶۴ الف). در اینجا منظور اهل بیت پیامبر نیست؛ بلکه بدن انسان به خانه‌ای تشبیه شده که اهالی آن افرادی نادرست هستند و اگر شخص از آن‌ها دوری کند، می‌تواند به کمال برسد. مؤلف منظور خود را در ترک مادیات و تعلق به دنیای معنویت به این شکل بیان کرده است.

همچنین است: جلاباب حیا (همان: ۱۳ ب) کاسهٔ رحم، مور حرص و مار شهوت، موش مکر و بزغ حسد (ص ۱۸ ب) جبرئیل عقل، اسرافیل علم (همان: ۱۷۸ ب)

۳-۱-۲- استعاره

استعارهٔ مکنیه از آرایه‌هایی است که همانند تشبیه بلیغ در دورهٔ عراقی و پس از آن کارکرد فراوان دارد و به دلیل فشردگی و ایجاز، از نظر زیبایی‌شناسی اهمیت پیدا می‌کند. در نثر قوام‌الدین بیشتر تشبیه بلیغ از نوع اضافی دیده می‌شود و استعاره نیز در کنار آن به کار می‌رود.

«تخمی که در سینهٔ تراب نهاده ایم و خاصیتی که در صلب آب تعبیه کرده‌ایم» (همان: ۱۰۷ ب) «و در گردن جان دل مرید افکند.» (همان: ۱۰۹ ب)

۳-۱-۳- تلمیح

تلمیحات این کتاب اغلب از نوع مذهبی و شامل نام پیامبران، ملائکه یا حوادث دینی است:

«نظر کن که گاهی یوسف را به چاه کنعان فروبریم و گاهی به جاه مصر برآریم و گاهی دماغ یعقوب را از مصر در کنعان بوی پیراهن شنوایم و گاهی چشم او را از جمال ماندگی راه پیوشانیم گاهی به ناوک انگشت مصطفی سینهٔ قمر را بر شما شق کنیم و به قدوم قدم وی طاق کسری را کسر دهیم.» (همان: ۱۰۷ ب)

۳-۱-۴- تضمین

بیشترین آرایهٔ کاربردی تلمیح است، به دلیل اینکه در این نوع تألیفات مبنای سخن بر آیات و احادیث است. در نمونهٔ زیر به آفرینش انسان از خاک اشاره دارد و در ادامه از آیات و احادیث به زبان عربی نیز کمک می‌گیرد:

«آدمی را فرموده اند که از مبدأ حرکت به ارادت تا ذروه حقیقت به سعادت سعی نماید. لیس للانسان الا ما سعی و انّ سعیه سوف یری» (همان: ۴ الف)

در این کتاب گاهی در تمام سطور عبارات عربی به کاررفته است، به طوری که به سختی می‌توان میان فارسی و عربی تمایز قائل شد.



«حق را به عقل نتوان شناخت که حیوان و جماد عقل ندارند و می‌شناسند و تسبیح می‌گویند قصه سنگ و موسی و سگ اصحاب کهف قوله سبح لله ما فی السموات و ما فی الارض و علم علت معرفت نیست.» (همان: ۱۰۷ الف)

۳-۱-۵- تمثیل

بیان نمادین مفاهیم عرفانی روشی است که عرفا از آن برای بیان مقصود خود استفاده کرده‌اند. کاربرد نماد در ادب فارسی، به‌ویژه در متون عرفانی ابزاری برای پنهان کردن مفاهیم عمیق عرفانی از درک ناآگاهان این حوزه است. عرفا برای فهم گفته‌های خود روش‌های مختلفی دارند؛ تمثیل نیز یکی از راهکارهایی است که کاربرد بسیاری دارد.

«تمثیل ارائه شخصیت اندیشه‌ای واقعی است به طریقه‌ای که هم خودش را نشان بدهد و هم چیز دیگری را. به عبارت دیگر تمثیل یک معنای آشکار دارد و یک یا چند معنای پنهان. در تمثیل نامحسوس به شکل و کیفیت محسوس ارائه می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۰۴۹). سنجانی نیز از این روش استفاده کرده و هنگام بحث در مورد کسانی که انبیا را ساحر خواندند و حرفشان را باور نکردند تمثیل جنین را می‌آورد که در شکم مادر جز خون و زرداب و تاریکی نمی‌بیند و اگر درباره نعیم و بساطین با او صحبت کنند چیزی درک نمی‌کند. چون هرگز روشنایی ندیده و ندانسته که بوی و رنگ چه باشد و لذت اصوات در گوش و الوان در چشم و ذوق در کام و عطر در دماغ چه باشد (سنجانی، ۸۰۸: ۶ الف).

۳-۱-۶- اشعار

کاربرد شعر در نثر در ادب فارسی سابقه دیرینه دارد و غالباً نویسندگان شواهد شعری را در میان گفتار خود قرار می‌دهند. در کتب عرفان هم این شیوه مرسوم است. از همان ابتدای کتاب، این ویژگی به چشم می‌خورد و می‌توان استفاده از شعر در اثنای متن را از مؤلفه‌های ادبی این اثر دانست. آخرین بخش کتاب نیز به‌طور کلی به اشعار اختصاص دارد.

به نظر می‌رسد مولانا شخصیتی آرمانی برای سنجانی بوده و شاید همین ارادت او را به شعر علاقه‌مند ساخته است. ارزش ادبی برخی از شعرهای وی به‌ویژه در غزل سرایی این احتمال را قوت می‌بخشد که شاید او صاحب دیوان شعری نیز بوده است.



سنجانی در بخش اشعار از غزلیات مولانا پیروی کرده و عنوان غزلیات مولانا را «شکرستان تبریز» و «شکرستان روم» و عنوان غزلیات خود را «گلستان خواف» نهاده است. این بخش دارای مطالبی نغز و بیانگر پختگی ذهنی نگارنده نیز هست که با ترجیع‌بندی از نویسنده به پایان می‌رسد. در ابتدای این باب نوشته است: «مولانا جلال با شیخ شمس عشق بازد قوام بر پی می‌تازد».

غزل مولوی با این بیت آغاز می‌شود:

سوی بیماران خود شد شاه مه رویان من گفت ای رخهای زرد زعفرانستان من

سپس شعر خود را با این مطلع در جواب می‌آورد:

شد روان از حضرت عزت نظر بر جان من جان ما را هم نظر بر حضرت جانان من

(سنجانی، ۸۰۸: ۲۵۸ الف)

صوفیانیم آمده در کوی تو شیئا لله از جمال روی تو
(همان: ۲۵۹ ب)

جواب سنجانی:

من که دور افتاده‌ام از کوی تو ناظرم اندر جمال روی تو
(همان: ۲۶۰ الف)

در اثر وی علاقه مفراط به پیروی از شخصیت و ذوق و شوق معنوی - ادبی مولانا به‌روشنی پیداست. او خود را در مقام مولانای ثانی و خواف را در موضع رومی المثنی می‌دید. این نکته در بسیاری از اشعار قوام‌الدین به نیکی پیداست:

در منزل و فرسنگ و سموات نگنجیم دارند گمان خلق که از روم رسیدیم
(همان: ۲۷۴ الف)



با قوام الدین به سنجانش من آسان یافتم
(همان: ۲۷۴ ب)

روم اندر شام قرص شمس را بر خوان نهاد

ناظرم اندر جمال روی تو
(همان: ۲۵۷ ب)

چو رومی را به هندستان ندیدی

در هر تنی در پایه‌ای، کرده تجلی روی او
(همان: ۲۷۶ ب)

در روم هر سرمایه‌ای، اندر جل‌اش بین سایه‌ای

پیروی سنجانی از مولانا گاه به تقلید محض و گرت‌برداری از زندگی شخصی او نیز انجامیده است. چنان‌که در استقبال غزلی از مولوی به مطلع زیر در بیان عشق شاعر به سلطان ولد شتافته است. مولوی گوید:

طالب مشتری شدی ای شه دلستان من
(همان: ۲۷۷ الف)

ای که چو زهره می‌زند چنگ در آسمان من

سنجانی در خلأ شخصیت‌هایی مثل شمس تبریزی یا سلطان ولد، شیخی به نام زین‌الدین سنجانی را مخاطب احساس عاشقانه خویش ساخته و گوید:

باش مرا تو مشتری، ای شه دلستان من
سجده حق نکرد، شد گشته آسمان من

خیز و چو زهره چنگ زن، ای مه آسمان من قبله
جان من توئی، کعبه انس و جان منم



(همان: ۲۷۷ ب)

ارادت وی به مولانا و علاقه‌اش به روم در متن منشور جنون‌المجانین نیز به خوبی هویداست:

سرگذشت یک شیخ: ... به قضا حی قیوم از خطه ملک روم به عنایت سبحان در قصبه سنجان روی

به روم آورد و گفت در ولایت خواف رعبی از خوف پیدا شد... (همان: ۸۵ ب)

به امید آنکه سوادنامه سنجانی به فضل سبحانی بیاض گردد؛ یعنی کتاب اعمال اعمار سیاه قیطاس واسطی را

در دشت بیاض قرطاس از بحر حیات هندوستان دوات به جهت دوات در حوالی روم بیان کردم (همان: ۱۱ ب)

۳-۲- آرایه‌های لفظی

شفیعی کدکنی هنگام بحث دربارهٔ برجسته‌سازی به این نکته اشاره می‌کند که انواع برجسته‌سازی را می‌توان در دو گروه موسیقایی و زبانی تبیین کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۷). وی گروه موسیقایی را مجموعه عواملی می‌داند که زبان ادبی را از زبان هنجار به کمک آهنگ و توازن ممتاز می‌سازد.

جناس

از میان آرایه‌های لفظی نویسنده به جناس توجه داشته و کوشیده است اقسام آن را به کار گیرد:

جناس اختلافی

«طریقت جامه اعمال اعمار او را خرق کند...، بر فلک و ملک تاخت و باخت کند.» (سنجانی، ۸۰۸:

۱۰۹ ب)

«چون چشم دوستان برین بوستان افتد.» (همان: ۱۷۴ ب)

جناس مرکب:

«مپندار که این حرف از تیر و کمان ترکمانست.» (همان: ۱۶۶ ب)

اشتقاق

«قلب هر کس که منقلب گردد تا کجا پایگاه یابد باز» (همان: ۱۷۲ ب)

افزایشی

«بنیاد این جمله از یک حب به نیم حبه نیرزد» (همان: ۱۷۴ ب)



«مرا این عرف نباشد؛ اما معروف قادر بر کمال است» (همان: ۱۷۴ ب)

خط

«نقطه‌ای که در تحت غبن است ضم گردان تا عین شود» (همان: ۱۷۸ ب)

قلب

«شرع از عرش به وی فرستاده‌ایم» (همان: ۱۷۹ ب)

سجع

سجع متوازی در آفرینش کلام آهنگین، ممتاز بوده و سنجانی در به‌کاربردن آن کوتاهی نکرده است.

« صحبت یک صفت کشتن است نه با یکدیگر گشتن، یاری یکدیگر داشتن است نه با یکدیگر نشستن»

(همان: ۴ ب) «کوی ولایت بهتر سعادت رساند» (همان: ۱۰۹ ب)

۴. شیوه فکری

این رساله را می‌توان به‌منزله دایرة المعارفی در زمینه عرفان و تصوف قرن نهم دانست. سنجانی در این اثر به مباحث گوناگون فکری و عرفانی زمان خود پرداخته و تلاش دارد هیچ شعبه‌ای از گرایش‌های فکری محیط و زمان خود را از چشم به‌دور ندارد.

بخش عمده جنون‌المجانین متعلق به اوامر و نواهی‌ای است که در آن به ستایش رضا و تسلیم، جبرگرایی و قناعت و فقر پرداخته شده است. آنچه این اثر را در زمره آثار شایان توجه با رویکرد عرفانی و صوفیانه قرار می‌دهد، مجموعه گزارش‌هایی است در مورد اندیشه‌های ملل و نحل. به‌ویژه بخش موردتوجهی از این اثر درباره آرا کلامی متصوفه و غلات شیعه است که ممکن است در سایر منابع یافت نشود؛ یا اینکه دال بر حضور این فرق در محیط فکری نگارنده قلمداد شود.

شیوه نگارنده در شناخت و معرفی ملل و نحل آن است که نخست یادی از گروه‌های فکری و اندیشمندی می‌کند که قائل به نبوت نیستند؛ سپس به باورمندان نبوت می‌پردازد. آن‌ها همگی از نظر وی بر راه صلاح نیستند؛ بلکه بسیاری از آنان از مسیر منحرف شده‌اند. از منظر سنجانی ادیان ایران باستان و باورمندی از آنان که هنوز در گوشه‌وکنار ایران، خراسان یا بخش‌های شرقی ایران و ترکستان می‌زیستند، در زمره باورمندان



نبوت‌اند. چه اینکه آنان جملگی صاحب کتاب‌اند. همهٔ ادیان ایران باستان با عنوان گبران (گبرکان) شناخته می‌شوند و به پنج رده تقسیم می‌شوند:

اول ریضانیان، دوم مانونیان، سوم زردشتیان چهارم حرقومیان، پنجم مزدکیان، بعضی بت‌پرستاند، جماعتی ستاره‌پرستاند، گروهی آتش‌پرست و اکثراً هواپرست (سنجانی، ۸۰۸: ۲۰ الف).

او با آنکه همانند هر ایرانی دیگر متأثر از فرهنگ ایران باستان است و از نور پاک یزدانی سخن می‌راند (همان، ۵ ب)؛ اما مانند یک مذهبی جزم‌اندیش به زرتشت و آیین او می‌تازد:

مجوسیه زردشتیان از آذربایجان بود به روزگار و او مردی فیلسوف و دلیر بود و سخن‌گوی بسیار خرابی انگیخته. گشناسپ به وی ایمان آورد. اسفندیار پسر او دین را قوت داد آن ملعون را بکشت (همان: ۴۲ الف)

اما مانی و آیین آن را با وجهه هنری آن یاد کرده و روادارانه می‌گوید:

مانیان تبع مانی نقاش‌اند به روزگار شاپور. مردی چابک‌دست بود و اردشیر بابکان دعوی پیغمبری کرد و گفت عالم... بعضی بگریختند و به طرف چین رفتند اکنون از آن نسل آنجا هنوز باشند (همان: ۴۲ الف)

ادامهٔ نهضت‌های فکری ایران باستان در پس از اسلام را نیز از نظر دور نمی‌دارد و از نهضت بابک خرم‌دین می‌گوید:

بابکیان: تبع بابک‌اند و او مردی اراذل و ناکس بود در آذربایجان به روزگار قوت یافت و الحاد ظاهر کرد و عده‌ای هواپرست بر وی جمع آمدند در روزگار معتصم بود و بعد از آن به حیلت‌های بسیار او را بگرفتند و بکشتند. (همان: ۴۱ ب)

و سخن از زندیقان می‌دارد که به گمان وی کسانی هستند که سخن سنجیده باریک را گویند تا کسی آن را درنیابد (همان: ۲۰ ب). بنا به همین تعریف او قرمطیان که روزگاری در بحرین و احساء حرکت کرده و سرزمین‌های



خلافت را تهدید کردند، زندیق می‌داند. چه اینکه آنان خطی رمزگونه داشته و از طریق آنان پیام‌های آشوبگرانه و جنگی خود را به هم می‌رساندند. وی در سخن از قرامطه می‌گوید:

قرمطه خط باریک نوشتن یعنی ترهات و طامات و شطحیات عبارات بکنند بی‌معنی و این [ها] متابع شخصی‌اند که کتابی ساخته و زندقه نام نهاده؛ در آن کتاب نوشته که اموال مشترک است میان بنی‌آدم و فروج را مشترک دانند منسوب به حمدان قرامطه‌اند و عالم را قدیم دانند (همان: ۲۰ ب)

سخن از دیگر ادیان نیز به همین شکل ادامه می‌یابد: جهودان که به‌زعم او متشکل از سه فرقه عسائیان، عیسویان (تبع ابوعیسی اصفهانی) و سوم سامریان‌اند و ترسایان که آنان نیز بر سه فرقه مقرند: ترسایان اول ملکائیان (اهل جزیه) یعقوبیان (ثالث ثلاثه گویند)، سوم نسطوریان (همان: ۲۰ الف).

سخن سنجانی هم در باب ادیان ایران باستان و نهضت‌های پسااسلامی آنان و هم در مورد یهودیت و مسیحیت فقط جنبه جامع‌گرایانه دارد. وی در تلاش است سخن را مکتوم ندارد؛ وگرنه بسیاری از مواردی که عنوان می‌دارد، نیاز به تدقیق و تحفیف دارد. به‌عنوان مثال، ناسزاگویی ناروای وی به زرتشت و خراب‌انگیزی او مطلقاً محلی از حقیقت ندارد. قرامطه در شمار زندیقان نبودند؛ اگرچه گرایش‌های ایران باستانی و ضدا سلامی داشتند و معنی زندیق نه آن است که وی می‌گوید. یهودیان به سه فرقه ذکر شده تقسیم نمی‌شوند و مسیحیان نیز که در ذیل نام آنان تعاریفی موجز به دست می‌دهد، با مطالبی خالی از تحقیق همراه‌اند. ملکائیان به معنی مسیحیانی نیستند که در سرزمین‌های اسلامی می‌زیستند و جزیه می‌پرداختند. مذاهبی همانند کلیساهای سریانی و ارمنی و قرمطی و غیره در بلاد اسلامی با همدیگر تفاوت‌هایی کلامی داشتند و خراج‌گزاری و جزیه‌پردازی آنان را در باورهایشان به هم نزدیک نمی‌کرد. یعقوبیان با تعریف ثالث ثلاثه یا تثلیث شاید تا حدی تعریفی به سزا باشد؛ اما باز سخن از نصیریان با این تعریف که آنان خدای را «هوهو» می‌خوانند، برداشتی اشتباه از کلمه مقدس «یهوه» به معنی خدا در آیین یهود است و مطلقاً دال بر شرک آنان تلقی نمی‌شود (همان: ۲۰ الف).

می‌توان نگارنده را از بازجستن این اعداد بزرگ و ارقام گراف معروض داشت؛ وقتی که گزارشی از آشفتگی و تشتت بزرگ فکری در منظر و ملاء خود به دست می‌دهد. وی این دریای مواج اندیشه را بدین نمط بازمی‌گوید که:



باز قومی سبلیت و محاسن و مژه و ابرو و سر فروتراشند و... خود را به صورت امردان و زنان سازند... بدین غرور که مجردان و مغروران و قلندرانیم و یکتا شدیم... این همه نحوست از بی‌علمی خیزد... باز قومی موی بیگانه وصل کنند و فتیله سازند و نقشی عجب فریب و تفرج بازاریان که موافق سید احمدی‌ام و خود را از عشق موله (واله شده، شیدا) سازند و این سه طایفه یعنی قلندر و حیدری و موله چهار رکن جهان را حکومت می‌کنند و معصیت و بی‌آدابی و بی‌شرمی را ابدالی خوانند؛ دیگری شاخ‌ها از نمد فروگذارند که سلطونی‌ام؛ یکی مثل زبان سر به بی‌شرمی بازند که سربازم؛ سر بر نمی‌باید داشت که سربازان دیگرند؛ دیگری شاخ‌گاو از خری بر کلاه دوزد و صورت مار از نمد بر خرقه که براقی‌ام؛... که اسماعیل‌آتایی‌ام و لاف پیران ترک زند؛ دیگری طبلی بر کتف بندد و زبان برگشاید که مولویه‌ام؛ دیگری سنگ و آتش همی خورد که سید احمدی‌ام (همان: ۱۴ الف).

اشاره مؤلفه به افکار و اندیشه‌های مختلف و فرق کلامی است و نه مذاهب فقهی یا حتی عموماً عرفانی. بسیاری از آن‌ها در واقع جنبه‌های مختلف از استنتاجات کلامی و فلسفی اشخاص یا روایت‌ها یا پرسش‌های مطرح در میان خود متکلمین مسلمان که خود نویسنده بدان‌ها پاسخ می‌دهد و پرواضح است که ویژگی یک نحله فکری کامل را ندارند. چنان‌که برمی‌آید، بسیاری از این اظهارنظرها در شمار تناقضات افراد فرودست جامعه است.

سارقیان: گویند که ده درم بدزدد و یک درم صدقه بدهد، بر وی چیزی دیگر لازم نیاید؛ آن یک درم نیز کفایت صدقه وی بود و نیز گویند هر که زنا کند و تن بشوید، کفارت بود، گرفتاری نبود در این جهان و دران جهان (همان: ۲۲ ب)



۶. نتیجه

رساله جنون‌المجانین از جمله نسخه‌های خطی منحصربه‌فردی است که بخش عمده‌ای از آن مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و افکار فرقه‌های مختلف کلامی، نحله‌ها و باورهای آن‌هاست و به همین سبب می‌توان آن را نوعی دانشنامه در این حوزه دانست. این رساله نه تنها در بعد عرفانی؛ بلکه در ابعاد ادبی، تاریخی و اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت است. نثر کتاب یکدست نبوده و از شیوه‌ای واحد برای نگارش استفاده نشده است. از نظر زبانی هنجارگریزی کمی در آن دیده می‌شود و غالباً جملات از نظر نحوی جابه‌جایی ندارند و گاهی حذف فعل به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های مهم زبانی، کلمات معطوف و پی‌درپی هستند که بسامد بسیاری دارند. همچنین تشبیه بلیغ اضافی و تمثیلات فراوان ویژگی این کتاب است که برای فهم آسان‌تر مطالب استفاده شده است.

این اثر به شیوه‌ی اغلب کتاب‌های تعلیمی عرفانی، از روش‌های مختلف تمثیلی، شعر، پرسش و پاسخ به همراه آرایه‌های ادبی و صور خیال بهره گرفته تا با جذب هر چه بیشتر مخاطب، دیدگاه خود را نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خود بیان کند. سنجانی در جنون‌المجانین در مقام منتقدی آگاه قرار می‌گیرد و اندیشه‌ها و افکار و عقاید موجود در زمانه خود را ابتدا توصیف سپس نقد می‌کند و برای این کار از زبان اقناع‌گر عرفان بهره می‌گیرد. قرائن متنی و سبک‌شناختی نشان می‌دهد که سنجانی در جنون‌المجانین - با توجه به مکتب خراسان - به نوشته‌های گویندگان پیش از خود نیز توجه داشته و گاه بدون جرح و تعدیل آن نوشته‌ها را درج نموده و هیچ توضیحی مبنی بر بینامتنی بودن موضوع نداده است؛ از این رو محتمل است که بسیاری از نوشته‌های او برگرفته از آثار دیگران باشد؛ لذا جایگاه جنون‌المجانین را در بین آثار هم‌روال خود این‌گونه می‌توان توصیف کرد که این اثر به نوعی حلقه واسطه بل حلقه اتصال آثار مکتوب عرفانی است؛ حلقه‌ای که آثار مکتوب پیش از خود را حفظ کرده، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در اختیار طالبان عصر خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر دغدغه اصلی مؤلف حفظ و انتقال مبانی و اندیشه‌های عرفانی بوده است تا ابداع و تبیین جدید از مفاهیم و همین نکته خود به نوعی بیانگر اوضاع اجتماعی عصر مؤلف است.

نسخ خطی گنجینه گران‌بهایی هستند که توجه و تأمل در آن علاوه بر زنده نگاه داشتن میراث کهن موجب دستیابی مستقیم به نظریه‌های فکری، سطوح زبانی و کلامی مختلف است. با عنایت به آنچه در باب اهمیت و فردیت نسخه‌های به دست آمده از این اثر ذکر شد، شایسته است تا دست‌به‌کار تصحیحی انتقادی از این اثر شد.



تصحیح و انتشار این اثر علاوه بر اینکه یکی از متون عرفانی این فرهنگ را زنده می‌کند، مبنایی می‌شود برای خوانش‌ها، تحلیل‌ها و تفاسیر زبانی و معنایی پژوهشگران.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

منابع

- ابن سینا، **اشارات و تنبیهات**، ترجمه و شرح ملکشاهی، حسن. تهران: سروش، ۲ ج، ۱۳۶۸.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی، **روضات الجنات فی اوصاف المدینه هرات**، به اهتمام سید محمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- انصاری، خواجه عبدالله، **طبقات الصوفیه**، به کوشش محمد سرور مولایی، تهران: توس، ۱۳۸۶.
- باطنی، محمدرضا، **پیرامون زبان و زبان‌شناسی**، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
- برومند، محمدجواد، **زبان تصوف**، تهران: پازنگ، ۱۳۷۰.
- پورابریشم، احسان و محمدی فشارکی، محسن، «**جنون المجانین و عرفان خراسان در سده نهم**»، دوفصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء؛ س ۵، ش ۱۰ (بهار و تابستان): ۱۰۹-۱۵۱، ۱۳۹۳.
- تبادکانی طوسی، شمس‌الدین محمد، **تسنیم‌المقریین**. تصحیح طباطبایی بهبهانی، محمد، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن، **نفحات الانس**، به کوشش محمود عابدی، تهران: سخن، ۱۳۸۶.



- خواندمیر، غیاث‌الدین هم‌ام‌الدین، **تاریخ حبیب‌السیر**، تصحیح و مقدمه همایی، جلال‌الدین و دبیرسیاقتی، محمد، تهران: کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۸۰.
- داد، سیما، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: مروارید، ۱۳۸۵.
- دباغ، سروش، **زبان و تصویر جهان: مقولاتی در فلسفه ویتکنشتاین**، تهران: نی، ۱۳۸۹.
- رجایی بخارایی، احمدعلی، **فرهنگ اشعار حافظ**، تهران: علمی، ۱۳۶۴.
- سجادی، سید جعفر، **فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی**، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۷۵.
- سنجانی خوافی، قوام‌الدین، **جنون‌المجانین [نسخه خطی]**، استانبول: کتابخانه ایا صوفیه، شماره ۱۷۵۰، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، ۸۰۸ق.
- **جنون‌المجانین بالفارسیه فی التصوف [نسخه خطی]**، استانبول: کتابخانه ایا صوفیه، شماره ۱۷۴۹، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت.
- **واردات [نسخه خطی]**، تهران: کتابخانه مجلس شماره ۲۰۷۶۱، به کتابت عبدالبقاء بن میرک مشهد زره، ۱۱۱۱ق.
- **اعتقادات [نسخه خطی]**، ترکیه: کتابخانه سلیمانیه، شماره ۳۶۰، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت.
- شفیع کدکنی، محمدرضا، **موسیقی شعر**، تهران: سخن، ۱۳۶۸.
- شمیسا، سیروس، **معانی**، تهران: میترا، ۱۳۷۳.
- فولادی، علیرضا، **زبان عرفان**، تهران: فراگفت، ۱۳۸۹.
- قبادی، حسینعلی و محمد، بیرانوندی، **آیین آینه: سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، **رساله قشیری**، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- کاشانی، عزالدین محمود، **مصباح‌الهدایه**، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: کتابخانه سنایی، بی‌تا.
- گوهرین، صادق، **شرح اصطلاحات تصوف**، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۷.
- مشرف، مریم، **جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران**، تهران: سخن، ۱۳۸۹.



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

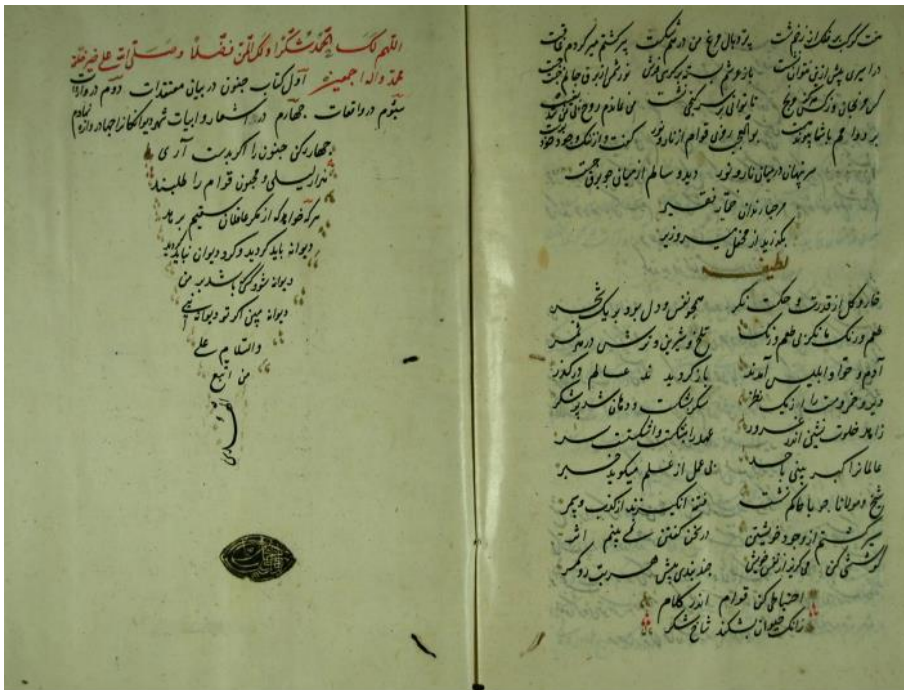
- میرصادقی، میمنت، **واژه‌نامه هنر شاعری**، تهران: کتاب ممتاز، ۱۳۷۶.
- نفیسی، سعید، **انسان کامل**، به تصحیح و مقدمه ماریژان موله، تهران: طهوری، ۱۳۶۳.
- هجویری، علی بن عثمان، **کشف‌المحجوب**، به اهتمام والننتین ژوکوفسکی، لنینگراد: مطبعه دارالعلوم، ۱۹۲۶.



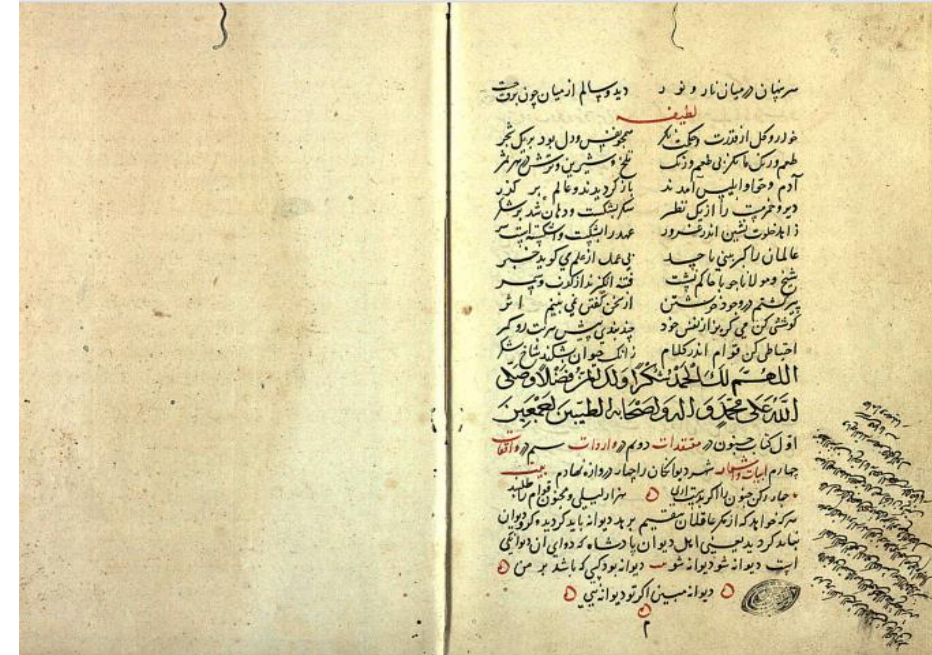
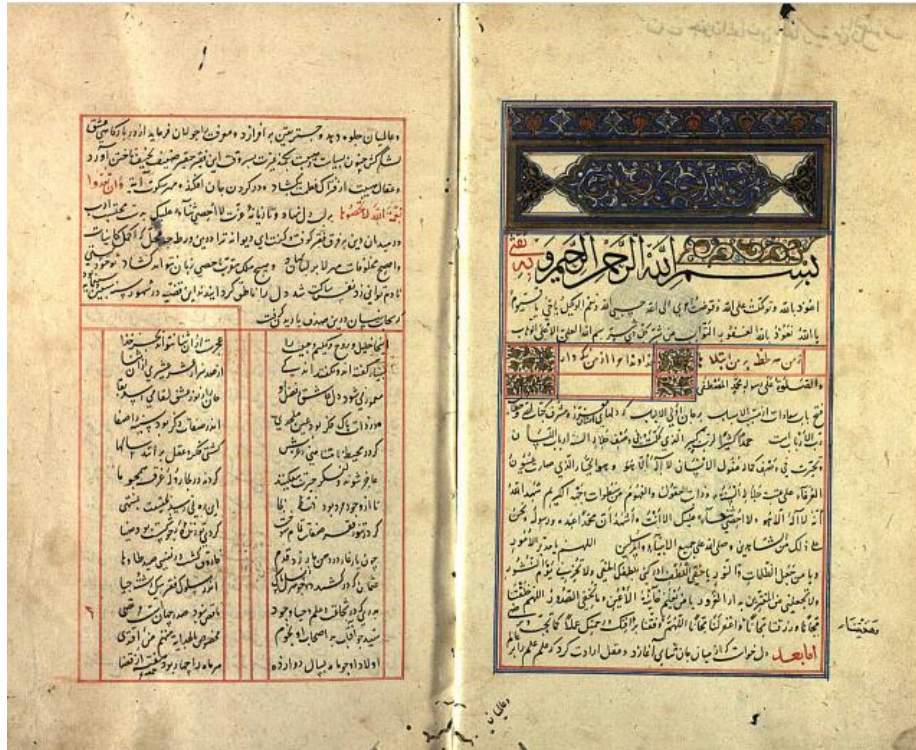
پیوست - تصاویر صفحات آغازین و پایانی نسخه‌ها



صفحات آغاز و پایان نسخه سلیمانیه



صفحات آغاز و پایان نسخه ۱۷۴۹ ایاصوفیه



صفحات آغاز و پایان نسخه ۱۷۵۰ ایاصوفیه



صفحات آغاز و پایان نسخه مجلس